



بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس، معاونان و کارکنان قوه قضاییه، در آستانه سالروز هفتم تیر - 5 تیر/ 1381

بسم الله الرحمن الرحيم

به حضار محترم، مسؤولان خدوم و زحمتکش قوه قضاییه و همچنین خانواده های محترم که به شهدای عزیز و عالی قدر هفتم تیر منتسب هستند، خوشامد عرض می کنم. این هم یکی از نقاط برجسته در سرگذشت قوه قضاییه ماست که روزهای تجلیل سالانه آن با هفتم تیر مصادف است و برگرفته و برخاسته از حادثه پُرشکوه شهادت است. خداوند درجات شهید عزیزمان، مرحوم آیه الله «بهشتی» را رفیع فرماید و آن بزرگوار را با اولیایش محشور کند که مجاهدت بزرگی را، چه در عرصه سیاسی و اداری کشور و نظام انقلابی و چه بخصوص در عرصه قضایی آغاز کرد، که بحمدالله بعد هم به وسیله آقایان ادامه پیدا کرده است.

شهدای هفتم تیر در موقعیت بسیار حساسی هدف تهاجم کینه ورزانه دشمنان انقلاب قرار گرفتند. هدف، فقط شهید بهشتی نبود؛ در واقع مجموعه باارزشی از مدیران نظام اسلامی هدف بودند و مقصود این بود که نظام اسلامی را فلج کنند. این تلاشهایی که شما امروز می بینید یا می شنوید علیه نظام اسلامی صورت می گیرد، از سالهای اول شروع شده است که بحمدالله با مقاومت مردم تاکنون ناکام مانده است. یکی از مظاهر آن، همین مسأله هفتم تیر بود.

و اما راجع به قوه قضاییه: اولاً لازم است بنده از زحماتی که در همه سطوح قوه قضاییه - از سطوح عالی و هیأت رئیسه قوه تا بخشهای کارگزار و مجری و عامل و دادگاهها و قضات محترم و دیگران - کشیده می شود و خدماتی که صورت می گیرد، صمیمانه تشکر کنم. حجم کار سنگینی که در این قوه در جریان است، حقا جای سپاسگزاری و تشکر دارد؛ بخصوص تلاشها و اقداماتی که ریاست محترم قوه در بیاناتشان به آنها اشاره کردند و گفتند این تلاشها به آینده نگاه می کند و به وظایف خطیر قوه قضاییه ناظر است، که ان شاءالله این کارها باید با قوت و قدرت پیش برود. بخصوص لازم می دانم از رئیس محترم قوه قضاییه تشکر کنم. بحمدالله مقام علمی و دینی و عملی ایشان، مقام رفیعی است و یکی از برکات الهی برای کشور این است که چنین شخصیتهایی، این گونه مسؤولیتهای خطیر و حساسی را بر عهده داشته باشند. امیدواریم ان شاءالله روزبه روز توفیقات الهی بر ایشان و دیگر عزیزان و همکارانشان بیشتر شود.

قوه قضاییه در پیشرفت کشور به سمت هدفهای اسلامی، نقش تعیین کننده دارد. بارها تکرار شده است که اگر بخواهیم حرکتی که به سمت اهداف الهی و اسلامی و رعایت حقوق مردم ترسیم شده است، تعقیب شود، بدون ضمانت اجرا ممکن نیست و این ضمانت اجرا عمدتاً در دست قوه قضاییه است. این، قوه قضاییه است که با تخلف و کجروی و انحراف - عمده اش را به یک نحو، خطئی اش را به نحو دیگر - برخورد و از تکرار آن جلوگیری می کند. در واقع قوه قضاییه ضامن صحت عمل مسؤولان نظام و آحاد مردم و تأمین حقوق آنها در نظام اسلامی است. اگر ما تشنه عدالتیم، تضمین تحقق عدالت، با سلامت و کارآمدی قوه قضاییه میسر است. اگر ما برای مردم و حقوق آنها ارزش درجه یک قائلیم، تأمین این حقوق، در گرو این است که قوه قضاییه بتواند کار خود را با قوت، شجاعت و بصیرت انجام دهد. نقش قوه قضاییه، این چنین بی بدیل و عظیم است. بنابراین، عضویت و کار کردن در این قوه، حقیقتاً یک افتخار است. هر تلاشی که در این قوه یا در جهت همکاری و همراهی و کمک به این قوه صورت گیرد، یک حسنه و یک کار برجسته و نیک عندالله است. مسأله قوه قضاییه، مسأله کمی نیست؛ لذا همه وظیفه دارند کمک کنند تا این قوه تعیین کننده بتواند نقش ممتاز و بی بدیل خود را به انجام برساند. اگر خدای نکرده این قوه فلج



باشد، هر چه دستگاه‌های دیگر خوب کار کنند، نخواهند توانست خلأهای ناشی از تجاوزها و سوء استفاده‌ها و قصورها و تقصیرها را پُر کنند؛ یعنی تمامیت نظام جز به تمامیت و کمال قوه قضاییه تحقق پیدا نخواهد کرد. بنابراین شما می‌بینید شأن قاضی و قوه قضاییه در اسلام چقدر بالاست. تعبیراتی که در باب قضاء و قاضی وارد شده است خیلی عجیب و عظیم است؛ مثل «قد جلست مجلساً لا یجلسه الا نبی أو وصی نبی او شقی». به قاضی می‌فرماید: این جایی که تو نشسته‌ای، یا یک پیغمبر می‌نشینی، یا منصوب پیغمبر و وصی او می‌نشینی، یا یک انسان شقی می‌نشینی! امر، دایر بین این دو تاست. این جایگاه، آن قدر جایگاه والایی است که جز پیغمبر یا منصوب از قبل پیغمبر و وصی او نمی‌تواند این جا بنشیند. سلسله مراتب قضا، این گونه تعیین می‌شود. اگر این طور نشد، آن گاه مسأله شقاوت است. بنابراین اهمیت این جایگاه است که این چیزها را برای آن لازم دانسته‌اند. در این زمینه، وظایفی بر دوش قوه قضاییه است و وظایفی هم بر دوش کسانی است که بیرون از قوه قضاییه‌اند؛ آنها هم در قبال قوه قضاییه وظایفی دارند. بنده امروز می‌خواهم در کلماتی کوتاه، مطلبی را به قوه قضاییه و مطلبی را هم به منتقدان قوه قضاییه عرض کنم.

اما مطلب مربوط به منتقدان این است که انتقاد در جامعه چیز خوبی است؛ زیرا انتقاد موجب می‌شود انتقاد شونده بتواند نقاط قوت و ضعف خود را بفهمد و همچنین ناظران صحنه بتوانند بفهمند. این به پیشرفت کار کمک می‌کند. لیکن انتقاد، غیر از عیبجویی، آن هم عیبجویی خصمانه است. نباید قوه قضاییه را تضعیف کرد. قاضی برای این که بتواند در جایگاه پیغمبر، درست و با استقرار بنشیند و عمل کند، احتیاج دارد که مورد حمایت نظام باشد؛ باید احساس کند که حمایت و تقویت می‌شود و در چشم مردم دارای منزلت است. قاضی، منزلت در نظر عموم و حمایت از سوی مسؤولان را لازم دارد. اگر باب انتقادهای غیر منطقی و خصمانه و عیبجویانه و احیاناً با انگیزه‌های سیاسی به سمت قوه قضاییه باز شد به این هر دو نیاز ضربه خواهد خورد: قاضی و دستگاه قضاء از چشم مردم می‌افتد و حمایت مسؤولان را هم از دست می‌دهد. آن وقت ما چطور در این فضا توقع داشته باشیم که قاضی بیاید با شجاعت بایستد و یک ظالم و متخلف از قانون را - که هم زور و هم زر دارد - به پای میز محاکمه بکشاند و هیچ گونه تحت تأثیر او قرار نگیرد؟ این کار، آسان نیست. اگر ما بخواهیم قاضی این شجاعت و صلابت و اقتدار را داشته باشد که چنین بارهای سنگینی را که از او توقع داریم، بردارد، باید او و دستگاهی را که حامی اوست، اولاً مورد حمایت قرار دهیم؛ ثانیاً منزلتش را در چشم مردم حفظ کنیم.

شما می‌بینید در تبلیغات دنیا معمول این است - البته نه این که خلافش نباشد؛ کم است - که از دستگاه قضایی خود تجلیل و تعریف می‌کنند؛ حتی در تبلیغات گوناگون و در فیلمها. به قاضی منشی می‌دهند که آدم وقتی از بطون دستگاه‌های قضایی آنها اطلاع پیدا می‌کند، می‌بیند با این تصویری که ارائه می‌دهند، چقدر فاصله دارد؛ اما سعی می‌کنند قاضی را دارای جایگاه تأثیرناپذیر، نفوذناپذیر، عاقل، عادل و بصیر معرفی کنند. خیلی اوقات هم این گونه نیست؛ اما تبلیغات این گونه است. این برای آن است که کسی که به دستگاه قضایی مراجعه می‌کند، با اطمینان خاطر مراجعه کند؛ کسی که دستگاه قضایی یقه او را می‌گیرد، حساب ببرد و در کل، هیبت دستگاه قضایی، و پشت سر آن، عمل دستگاه قضایی بتواند نقش خود را ایفا کند. ما که نباید برخلاف این روش عاقلانه عمل کنیم؛ دائماً دستگاه قضایی را تضعیف کنیم و مورد انتقادهای نابجا و ناوارد قرار دهیم. عرض کردیم: انتقاد یعنی سره و ناسره و قوت و ضعف را در کنار هم دیدن. معنای انتقاد این نیست که انسان نقاط قوت را نبیند و نقاط ضعف را هم حتی گاهی با انگیزه‌های گوناگون ملاحظه کند. غرض؛ نباید قوه قضاییه را تضعیف کرد؛ این به ضرر همه است. هیچ کس از تضعیف قوه قضاییه در کشور سود نمی‌برد. بله؛ دشمنان نظام سود می‌برند؛ آنهایی که می‌خواهند هیچ کار نظام سامان پیدا نکند و نظام اسلامی به صورت مطلوب شکل نگیرد. بنابراین عرض ما به منتقدان از قوه قضاییه این است که در این زمینه با انصاف، هوشمندی، بدون انگیزه‌های سیاسی و بدون غرض ورزی عمل



شود. در غیر این صورت لطمه آن به همه وارد خواهد آمد. البته در کنار این، باید به قوه قضاییه کمک شود تا بتواند امکاناتی را در اختیار گیرد و کارهای لازم را انجام دهد.

عرض ما به قوه قضاییه این است که اگر ما می‌گوییم قوه قضاییه تضعیف نشود، این تضعیف همیشه از بیرون قوه نیست؛ گاهی تضعیف از درون قوه است. کسی که داخل قوه قضاییه است، مسؤولیتی دارد. اگر با روش و رفتار و گفتار خود کاری کند که قوه قضاییه تضعیف شود، این هم یکی از انواع تضعیف است. قوه قضاییه با مسؤولیت عظیمی که دارد، در همه سطوح - از بالا تا پایین - خیلی باید با دقت و مراقبت حرکت کند. چیزی که اسلام می‌خواهد این است که قاضی، باتقوا و عالم و اهل اجتهاد باشد. البته این جا اجتهاد، یک اجتهاد مصطلح فقهی است که حدی از تخصص علمی و فقهی را می‌طلبد. ممکن است در این حد، امروز برای کل دستگاه قضایی میسر نباشد - که نیست - و قضات منصوب هستند؛ لیکن در کنار این، می‌توان معنای دیگری هم برای اجتهاد فرض کرد؛ یعنی ابتکار در شناخت صحنه قضاء و نوع برخورد با جرم در چارچوب قانون. ممکن است یک قانون همه جا نسبت به همه مجرمان اقتضای مشابهی نداشته باشد؛ این جا هوشمندی قاضی لازم است. قاضی همچنین باید از طهارت و اخلاص و شجاعت کافی برخوردار و فهیم و بصیر باشد. در قضاء، تا آن جایی که ممکن شود، ما به این خصوصیات احتیاج داریم.

ما نباید سطح توقع خود را از عرصه دادگاه پایین آوریم؛ عرصه دادگاه باید رفیع باشد. بنده بارها به مسؤولان عزیز و محترم قوه قضاییه در بخش‌های مختلف گفته‌ام که حکم باید آن چنان مستحکم و مستدل باشد که در همه سطوح قابل دفاع باشد. البته این به معنای آن نیست که در دیوان عالی کشور نقض نخواهد شد؛ چرا، ممکن است در عین حال فتوری داشته باشد؛ اما بنای قاضی در انشاء حکم و رعایت قانون و استدلال در حکم - که ذهن او را به این حکم رسانده است - باید به قدری متین باشد که هر کس حکم را دید، در دل تصدیق کند که درست است؛ هر چه عقل و سواد انسان بیشتر باشد، بیشتر تصدیق کند. در حکم به هیچ وجه نباید وهم و ضعف و فتور وجود داشته باشد. البته این کار اقتضائاتی دارد: استفاده از کارشناسان، استفاده از دستگاه‌های جرم‌شناسی، استفاده از انسان‌های فکور و عاقل، دقت و صبر و بی‌نظری و بی‌طرفی، و در داخل دادگاه و هنگام طرح دعوا، نداشتن هیچ پیشداوری. اینها خیلی مهم است. اگر ما این چیزها را در دستگاه قضایی رعایت کنیم، بخش مهمی از آنچه که وظیفه مسؤولان و کارکنان قضایی است، در کنار این وظیفه بزرگ و حفظ حرمت قوه قضاییه، صورت خواهد گرفت.

یک نکته بسیار مهم دیگر این است که از نفوذ پول و پولدار در داخل قوه قضاییه باید به شدت برحذر باشید و پرهیز کنید. یکی از خطرات بسیار بزرگ این است. در دنیا ثابت شده است که زور پول از خیلی چیزهای دیگر بیشتر است. امروز خیلی از هدف‌های صهیونیستی در دنیا با قدرت پول اعمال می‌شود. یکی از بزرگترین خطرات حکومت‌هایی که معتقد به مبنایی هستند، این است که صاحبان پول بتوانند در ارکان حکومت اعمال نفوذ کنند. اینها همه چیز را خراب می‌کنند. هر بخشی از نظام اگر تحت تأثیر زرمندان و ثروتمندان قرار گرفت، ضایع خواهد شد. در این زمینه، از همه بدتر قوه قضاییه است. باید خیلی مراقب باشید خدای نکرده چنین چیزی برای این قوه پیش نیاید و پول و پولدار و ثروتمند، با روش‌هایی که دارند، نتوانند اعمال نفوذ کنند. این هم یکی از وسایل استحکام است. نفوذ‌های سیاسی هم همین طور است. دستگاه‌های سیاسی، انگیزه‌های سیاسی و جریان‌های سیاسی نباید بگذارند نفوذ ایجاد شود. دستگاه قضایی اگر به دانش و بصیرت و پاکی و طهارت در عمده‌ترین ارکان خود متکی باشد، همان مقصودی را که دستگاه قضایی به دنبال آن است، به میزان زیادی تأمین خواهد کرد. به این نکته باید توجه داشت.

البته دستگاه قضایی محتاج تعامل با دستگاه‌های دیگر - با قوه مجریه و قوه مقننه - است. همچنان که ما قوه مجریه و قوه مقننه را به همکاری با دستگاه قضایی و کمک به رفع نیازهای آن توصیه می‌کنیم، قوه قضاییه را هم به همکاری و همراهی با آن دو قوه توصیه می‌کنیم. این غیر از این است که کسی تحت تأثیر دیگری قرار گیرد؛



بلکه باید سیاستها و همبستگی کلي نظام را در ارکان و بخشهاي کلان خود همواره مورد توجه قرار دهند. باید بسیار پرهیز کرد از این که خدای نکرده جرائم کوچک در چشم افراد یا مؤثرین قوه قضاییه بزرگ جلوه کند و جرمهاي بزرگ، کوچک به نظر آید. یکی از چیزهایی که ملتهای گذشته و امتهای سلف را مورد انتقام الهی قرار داده است - طبق روایت از معصوم علیه السلام - همین است که گاهی جرمهاي بزرگ را ندیده گرفتند و جرائم کوچک به نظرشان بزرگ آمد. البته جرم، جرم است؛ فرقی نمی کند و باید طبق قانون، هر جرمی - چه کوچک و چه بزرگ - تعقیب شود؛ لیکن خیلی مهم است که اهتمام دستگاهها به چه چیزهایی باشد. یک سال پیش بود که ما مبارزه با مفاسد اقتصادی را عرض کردیم و دستگاهها را ترغیب نمودیم که در این مبارزه جدی باشند. اهتمام به این کار به خاطر آن است که مفاسد اقتصادی، جریان آلوده ای است که اگر جلوگیری و با آن مبارزه نشود، کل فضا را آلوده خواهد کرد. بحث یک جرم منفرد و تک افتاده نیست؛ برخورد با مفاسد اقتصادی برای نظام اهمیت حیاتی دارد. البته در آن نامه ای که به رؤسای محترم سه قوه نوشتم، عرض کردم مراقب باشید تخلفات مدیریتی را که غالباً به اشتباه بر می گردد، با جرمی که کسی از روی عمد مرتکب می شود، مخلوط نکنید. مراقب باشید اول، کار انجام گیرد و بعد مردم از کاری که انجام گرفت، مطلع شوند. جنجال تبلیغاتی نسبت به کاری که هنوز انجام نگرفته است، نه فقط مفید فایده نیست، بلکه ضررهایی هم ایجاد می کند. کار را بکنیم، بعد اطلاع دهیم این کار شد - مثلاً این پرونده رسیدگی و مختومه شد، یا این طور احقاق حق گردید - نه این که قبل از آن که کاری صورت گیرد، جنجال کنیم که می خواهیم این کار را بکنیم؛ بعد هم نتوانیم، یا اشکالی پیش آید، یا معلوم شود فلان گوشه اش را اشتباه کرده بودیم. بنده معتقد به خبررسانی و اطلاع رسانی ام؛ مکرر هم به رئیس محترم قوه و دوستان دیگر در این زمینه عرض کرده ام. باید افکار عمومی را مطلع کرد و اطلاع رسانی صحیح و درست انجام داد؛ لیکن اطلاع رسانی بهنگام، بجا و به شکل متین و صحیح.

امروز شما ببینید دنیا از چه ابزاری استفاده می کند؛ ابزارهای تبلیغاتی پیشرفته علیه نظام و اهداف اسلامی و علیه اصل اسلام. یک روز می گفتند با اسلام سیاسی مخالفیم؛ اما امروز اصل اسلام هم اگر در گوشه ای پیدا شود، برای آنها قابل تحمل نیست! دشمن، این گونه از ابزارهای مختلف استفاده می کند. ما باید در این زمینه ها خیلی هوشیارانه حرکت کنیم. در دنیایی که بر پایه ظلم می چرخد، اگر ما بتوانیم علم عدالت را در این جا برافراشته نگهداریم، شما بدانید دلهاي ملتها - حتی ملتهای غیر مسلمان - مجذوب خواهد شد؛ چون همه تشنه عدالتند. امروز دنیا تشنه عدالت است.

شما حرفهاي ديروز رئيس جمهور امريكا را ملاحظه كنيد! يك ملت را كه از تمام حقوق انساني خود بر طبق همه عرفهاي بين المللي محروم شده، تروريست مي خواند؛ اما دستگاه و رژيمي را كه براي سرکوب و ادامه محروميت اين ملت، از تمام وسايل استفاده کرده است، مظلوم معرفي مي کند! ظلم از اين بالاتر؟! بي انصافي از اين بيشتري؟! جلو چشم مردم دنيا مي ايستند و خجالت هم نمي کشند؛ صريح اين طور حق را ناحق و ناحق را حق جلوه مي دهند. در بيانات اين شخص، ملت فلسطين مي شود تروريست؛ اما رژيمي كه اين ملت را از تمام حقوق انساني خود - حقوق شناخته شده در ميان همه عرفهاي عالم - محروم کرده، مي شود مظلوم و مورد تهاجم تروريسم! شما خيال مي كنيد مردم دنيا اينها را نمي فهمند؟ ممكن است چند صباحي با تبليغات رنگين، بتوان افكار عمومي را تحت تأثير قرار داد؛ ليكنديد در اروپا و خيلي از مناطق ديگر دنيا و در قاره امريكا و حتي در خود كشور امريكا در اين چند ماه كساني به اين روش و منش اعتراض کردند. معنای آن این است که بالأخره افکار عمومی از این زورگوییها و بی انصافیها و بی عدالتیها به جان می آید. افکار عمومی را می شود برای مدت کوتاهی از خود بی خود کرد؛ اما نمی شود به کلي و برای بلند مدت منحرف نمود. بنابراین ترفند اينها از پرده بيرون خواهد افتاد؛ کمالين كه الان هم در دنيا بيرون افتاده است.



هر کس پرچم عدالت اسلامی را بلند کند و هر کشور و نظامی که پای آن بایستد، مورد توجه مردم است. امیدواریم خدای متعال کمک کند تا ملت عزیز و شجاع و دلاور و پرومند و فداکار ایران همچنان که امروز توانسته است این پرچم را برافراشته نگهدارد، روزبه روز توفیقاتش افزایش پیدا کند و توجهات ولی عصر ارواحنفاذیه شامل حال ملت ایران و مسؤولان و همه ما باشد و ان شاءالله برکات و رحمت و فیوضات الهی به روح مطهر امام بزرگوار و ارواح طیبیه شهدا، بخصوص شهدای هفتم تیر، نازل شود.

والسّلام علیکم و رحمة الله و برکاته